

خمشتر

خبرنامه مکانیک شریف
دوره ۲۹، شماره ۱، مهرماه ۱۴۰۰

ساکن خیابان آزادی

ویژه‌نامه ورودی‌های ۱۴۰۰



خمش

خبرنامه مکانیک شریف دوره ۲۹، شماره ۱، مهرماه ۱۴۰۰

در این شماره می خوانیم:

۳.....سرمقاله

۴.....کلبه کوچک باصفا

۵.....یک کتاب را از روی جلدش قضاوت نکن

۶.....نشیده‌ها

۷.....چه درس‌هایی را پاس کنم تا مهندس شوم؟!

۸.....نیازمندی‌ها

۹.....پیش به سوی آزادی!

۱۰.....دور نزدیک

۱۱.....ای به تن پوشیده از دانش لباس آفتاب...

۱۲.....علاقه‌ای شکل گرفته

۱۳.....آمدنم بهر چه بود؟

۱۴.....۲۰ واحد اختلاف

۱۵.....مصاحبه با دکتر طاهری

۱۸.....یک بعدی؟ دو بعدی؟ یا بیشتر؟!

۲۰.....عمر تو موسم کار است و جهان بازاری

۲۱.....صفحه آزاد



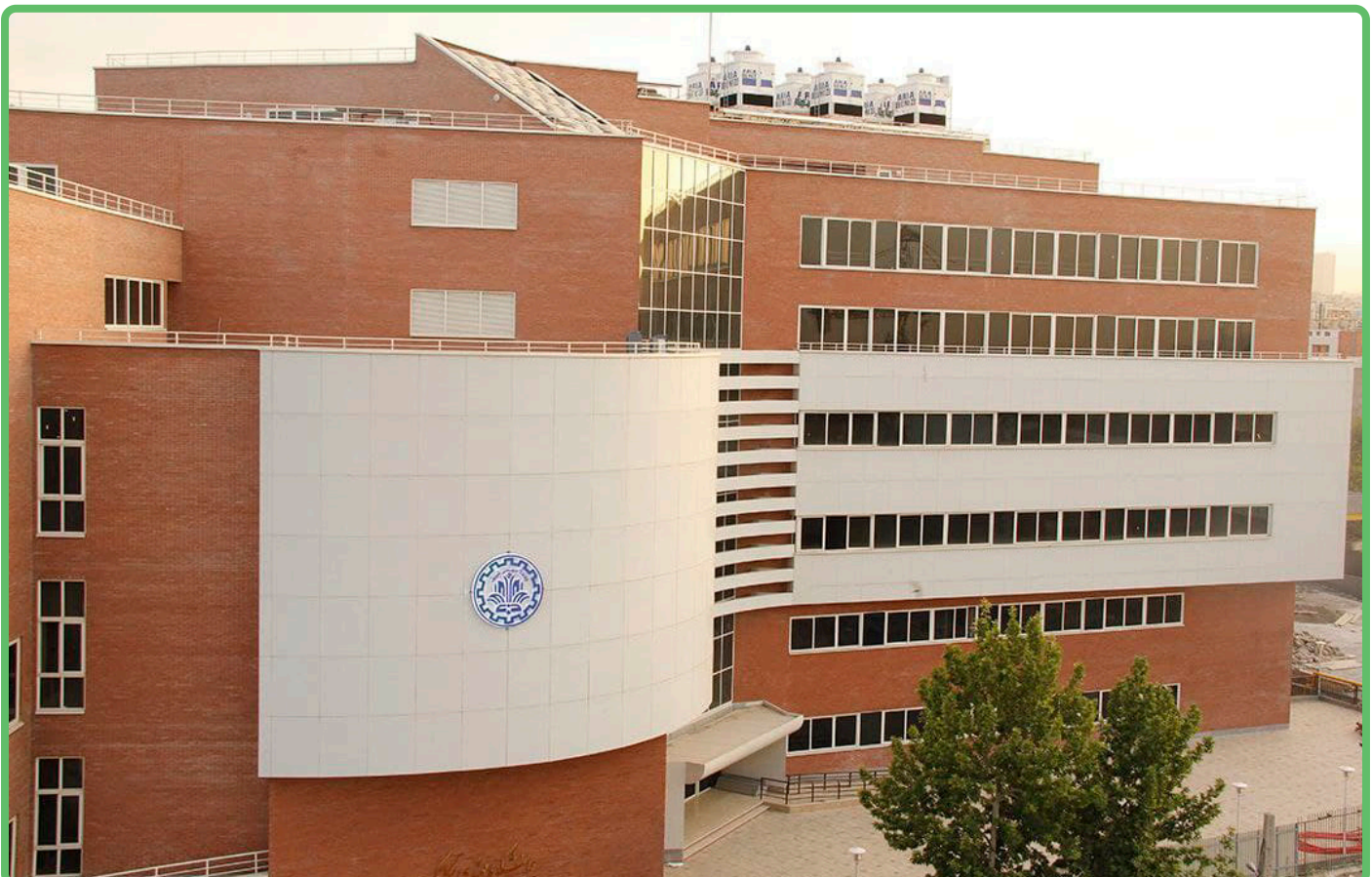
به تو نامه می نویسم...

به یاد صدای قدم‌ها از خیابان آزادی تا تالار ثبت‌نام، همه‌مه و صداهای رنگارنگ صبحگاهی، بوی چمن‌های خیس و آرامش شب‌های ساکت و سنگین!

ساختمان‌های سرخ استواری که در واقعیت با بهت‌تر از عکس‌هایشان می‌نمایند، قلّه آرزوهای بسیاری از دیرباز بوده و هستند. آنان که خود را در کلاس‌های پرجمعیت و در تکاپو می‌یافتند، و در تکاپو نیز بودند تا بدان برسند. این چشمه زلال برای برخی آنقدر دور و دراز بود که آن را سرابی وهم‌آمیز می‌پنداشتند و برای رسیدن به آن گامی نپیمودند. عده‌ای را نیز خار مغیلان از پای درآورد و در سودای رسیدن به آن سرخ‌های برافراشته رها کرد. اندک افرادی هم با وجود آفتاب سوزان طاقت‌فرسا و پای برهنه، بدان مقصد رسیدند. اینان همان‌هایی هستند که از این چشمه می‌نوشند.

این چشمه سرخ، آنقدر برای گروهی زلال است که مدهوش از مستی این مایع گوارا، آنچنان از آن می‌نوشند که در بر این چشمه از حال می‌روند. گویی هدف از به مسیر گام‌نهادنشان، همین مست‌شدن از چشمه بوده است! جزء کوچک اما مهم این مسیر به قدری در نظرگاهشان بزرگ می‌شود که آنان را سراسر کور کرده و به این آب زلال به دید شراب ابدی می‌نگرند!

حتی با خستگی راه و پای زخمی، هر چه باشد، مقصد قلّه کوه بوده است و نه این چشمه حقیر! آنان که روابط جزء و کل زندگی - این قمار بزرگ - را نشناخته‌اند، با کسب موفقیت‌های بدوی، گام به سوی شکست غایی برمی‌دارند. اما در کنار و گام‌به‌گام گروه فوق، افرادی به این چشمه رسیده و از آن می‌نوشند. می‌نوشند و می‌نوشند تا سیراب شوند و توشه مسیر را ببندوزند. در نظرشان این چشمه گوارا، مُد راه پرشیب و خم پیش روست. آبی که می‌تواند به آنان سوی دیدن و ذهن یافتن ببخشد. نوشیدنی‌ای که توشه راه است. البته راه رسیدن به قلّه یکتا نیست و این چشمه هم ضامن رسیدن به قلّه! فلذا این هیچ موجود، بی‌صدای پُرمدعا و این بی‌رنگ خوش‌رنگ به‌وجودآورنده رهروان نیست، بلکه برآمده از تلاش و وجود زیبای رهروان و هم پیش‌برنده آنان است. هم علت گوارایی‌اش، خلوص تاول پای راه‌پیمایان است و هم گوارایی‌اش، علت تندترشدن ریتم قدم‌ها! حال که نوبت است چند زمانی را در کنار این چشمه شریف بگذرانیم، آستین‌ها را بالا زده و دست‌ها مان را شسته و آب سرد را به صورت می‌زنیم، پاهای عریان را در این چشمه قرار داده و از گزگز نوک انگشتان لذت برده و هُشیار، پای در ادامه مسیر می‌گذاریم. نوش روان و آذوقه راه پَسینتان شیرینی طعم این چشمه!





سید علیرضا موسوی زاده تفتی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

کلبه کوچک باصفا

خانواده بزرگ محور

احتمالاً یکی از سوالاتی که برای هر دانشجوی مکانیک در بدو ورودش پیش می‌آید این باشد:

«این همه محور محور می‌کنن اصلاً محور کیه؟ محور چیه؟ خوردنیه؟ تو جیب جا می‌شه؟ مگه محور همونی نیست که وسط چرخنده می‌ذارن؟!»
در تعریف لغوی، «محور» نام انتخاب‌شده برای انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه شریف است. حالا این کلمه قلمبه سلمبه‌ای که به کار بردیم، اصلاً یعنی چه؟

انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک یا همان محور یک گروه و تشکل دانشجویی است که زیرمجموعه معاونت فرهنگی فعالیت می‌کند و ابتدای هر سال تحصیلی (در تابستان آن سال) برای آن انتخاباتی برگزار می‌شود و دانشجویانی که مایل به فعالیت در آن هستند، داوطلب می‌شوند تا با رأی بقیه دانشجویان وارد انجمن بشوند و به فعالیت بپردازند.

اعضای هر دوره از انجمن بعد از انتخاب‌شدن توسط دانشجویان، جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و در آن جلسه کسانی که رأی آورده‌اند، با رأی‌گیری مابین خودشان، مسئولیت‌هایشان مشخص می‌شود.

حال در محور چه مسئولیت‌هایی داریم؟

ما در محور چند مسئول داریم، که شامل دبیر و مسئولین فرهنگی، علمی، رسانه، دوره، مسابقه و مالی-اداری می‌باشند.

دبیر، که رهبر تیم هم هست، مسئولیت هماهنگ کردن و مدیریت برنامه‌ها را دارد (به نوعی همه‌کاره‌ی هیچ‌کاره)!

مسئول فرهنگی، انجام کارهای فرهنگی مختلف را در دست دارد، جشن و نشست و گفت‌وگو و خلاصه هر چیزی که در بافرهنگ‌بودن بگنجد.

مسئول علمی، وظیفه دارد نشست‌های مختلف علمی در زمینه‌های مختلف آموزشی، صنعتی و ... بگذارد. در یک کلام باسوادهای محور اینجا هستند.

مسئول رسانه، با شعار «رسانه فقط پوستر نیست!» به طراحی پوستر، ساخت کلیپ، اداره فضاهای مجازی و راه‌های ارتباطی و ... می‌پردازد.

مسئول دوره هم با برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف برای یادگیری نرم‌افزارهای مهندسی، کمک‌حال محور است.

مسئول مسابقه، با ارتباط با دانشکده‌ها و دانشگاه‌های دیگر مسابقه‌های جذاب صنعتی را ترتیب می‌دهد؛ از جمله مسابقه ملی مکانیک برتر.

مسئول مالی-اداری هم همان‌طور که از نامش مشخص است، کارهای اداری محور را انجام می‌دهد و دخل و خرج محور در دست اوست (ممکن است روزی خبر اختلاس و مهاجرتش به کانادا را در روزنامه‌ها بخوانیم)!

همه این افراد دور هم جمع می‌شوند تا با فعالیت دانشجویی و البته شبانه‌روزی خودشان، دانشکده را به جای بهتر و جذاب‌تری تبدیل کنند و دانشجویان را از تک‌بعدی‌بودن به سمت چندبعدی‌بودن، پرورش خلاقیت و روحیه کار تیمی سوق بدهند.



این از معرفی مختصر محور و بخش‌هایش! حالا پس این نشریه که داریم می‌خوانیم چیست؟ اصلاً چرا اسمش را گذاشته‌اند «خمش»؟

نشریه دانشجویی خمش یا همان «خبرنامه

مکانیک شریف» نشریه‌ای است که به همت

تیم فرهنگی محور، تقریباً ماهانه نوشته و

چاپ می‌شود و به دست بچه‌ها می‌رسد

که شامل اطلاعات روز دانشکده، اخبار جدید

علمی، مصاحبه با اساتید و دانشجویان و ...

می‌شود. نشریه خمش یک بخش ضمیمه

دارد به اسم «برش» که البته با خمش

و برش و تعاریف مکانیکی‌شان در درس

مقاومت مصالح بیشتر آشنا می‌شوید اما

برش که ضمیمه علمی خمش است، شامل

بخش‌هایی است که بیشتر به سمت علم

مکانیک سوق دارند و زمینه‌های علمی و

صنعتی بیشتری دارند؛ از جمله نوآوری‌های

روز دنیا در علم مکانیک.

این هم یک معرفی مختصر از انجمن

علمی مهندسی مکانیک و نشریه خمش؛

امیدوارم در آینده نزدیک شما هم عضوی از

خانواده صمیمی و بزرگ محور باشید.

به امید دیدار!



علی انصاری،

ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

یک کتاب را از روی جلدش قضاوت نکن!

شکایت‌ها را کجا ببریم؟

تا اینجا کلی به جدی بودن این کار پرداختم و مزایا را کنار گذاشتم. قصد فریبکاری نداشتم و کسی که تا اینجای متن آمده، پتانسیل خود را هم اثبات کرده است. در کل، ورود به بستر فعالیت‌های دانشجویی، امکان قوت‌بخشیدن انسان به بُعد مسئولیت‌پذیری و همکاری تیمی را بسیار بالا می‌برد؛ همچنین احتمال پیدا کردن مکانی برای صحبت و همنشینی با سال‌بالایی‌ها و استفاده از تجربه آن‌ها به این سادگی، فقط در همین بستر وجود دارد. و تو چه می‌دانی از این تجربه‌ها!

برخی وظایف شورای صنفی دانشکده،

شامل نظم‌دهی به جدول انتخاب

واحد و حل مشکلات بچه‌ها

در زمینه کارهای دانشگاهی

مانند امور ماینور،

دوره‌های و دفاع

کارشناسی است.

در کل، اگر با هر

مسئله‌ای مرتبط با

قوانین دانشگاه و

اموری که به این

زمینه مربوط هستند،

برخورد کردید در اولین

فرصت به بچه‌های

شورای صنفی مراجعه کنید.

امیدوارم از ترم اول دانشگاه

به‌خوبی لذت ببرید و فراموش نکنید

که سرتان را بعضی مواقع هم از کتاب و کلاس

بیرون بیاورید. فرصت‌ها منتظر شما هستند و شما نیز

منتظر این فرصت‌ها باشید!

@sahrif_senfi_me

@sharif_senfi

دختر و پسرهای عزیز، خوش آمدید به زندگی جدیدتان، زندگی دانشجویی. خب می‌خواهم شما را با بخشی از این زندگی آشنا کنم؛ مسئولیت‌پذیری و فعالیت دانشجویی. برخلاف تصور خیلی از افراد، (و حتی بعضی از شما) شریفی‌ها از صبح تا شب فقط به دنبال کتاب و دفتر و حل مشکلات دنیا نیستند. ما در این بخش از زندگی‌مان، برای جامعه مفیدبودن را هم تمرین می‌کنیم. در جامعه کوچک و شریفی که ما در این دانشگاه داریم، برقراری ارتباط قدم اول برای رسیدن به

هدف مشترک است. راه ارتباط با

مسئولین دانشگاه و دانشکده،

رساندن خواسته‌ها، نیازها و

مشکلات و جواب درست و

حسابی گرفتن از آن‌ها،

«شورای صنفی»

است. دانشجویانی

که شبانه‌روز لابه‌لای

آیین‌نامه‌ها و

قوانین و حفره‌های

چارت درسی به

دنبال ذره‌ای بی‌نظمی

می‌گردند برای پاکسازی.

درست است؛ از دور بسیار

حوصله‌سربر و خسته‌کننده به

نظر می‌آید. تکذیب هم نمی‌کنم،

صبر ایوب لازم است و ادب لقمان. بخش زیادی

از کار بچه‌های شورا از پیگیری برای رفع مشکلات دانشجویان

تشکیل شده است و گاهی هم نتیجه‌ای به‌دست نمی‌آید، به

جز کم‌لطفی اطرافیان. پس چرا این صحبت‌ها را می‌کنم؟

چرا قصد دارم شما را جذب کاری با این‌همه دردسر بکنم؟

این را باید همان ابتدا می‌گفتم؛ اما اگر دانشگاه را پایان

هرچه دردسر و سختی می‌دانید و درهای شریف را مانند دروازه

بهشت مجسم کردید، لطفاً بروید به سراغ متن بعدی. زندگی

دانشجویی سرشار از چالش‌های جذاب و سخت برای اهلش

است و آن‌ها که دغدغه اصلاح دارند، صنفی را به‌عنوان بستر

و چالش خود انتخاب می‌کنند.



شورای صنفی دانشکده مکانیک



راهنمایی ساده برای زندگی راحت‌تر در شریف!

سعی کنید در انتخاب واحد و ترمیم، به آ‌ها دقت کنید و در هر ترم بیش از یک آ‌ز برنارید، مگر اینکه مجبور شوید! البته صمیمانه خواهش می‌کنم که هیچ‌وقت به اخذ بیش از دو آ‌ز در یک ترم، حتی فکر هم نکنید!

انتخاب واحد را که احتمالاً می‌شناسید؛ اما ترمیم چیست؟ ترمیم بسیار شبیه انتخاب واحد است. تنها تفاوت میان آن‌ها این است که زمان انتخاب واحد قبل از شروع ترم است و زمان ترمیم هفته دوم ترم. در واقع شما در هر ترم، یک هفته فرصت دارید که با دستاوردهایتان در انتخاب واحد زندگی کنید و اگر لازم بود، در زمان ترمیم آن‌ها را تغییر دهید. در ترم ۱ و ۲ اکثر دروسی که باید بگذرانید، **دروس**

سرویس هستند. به دروسی که یک دانشکده برای دانشجویان دانشکده‌های دیگر ارائه می‌دهد، دروس سرویس می‌گویند؛ مثلاً دروس ریاضی ۱ و ریاضی ۲ از طرف دانشکده علوم ریاضی و دروس فیزیک ۱ و فیزیک ۲ از طرف دانشکده فیزیک ارائه می‌شوند. اگر این فکر به ذهنتان رسیده که دروس سرویس دروسی هستند که دانشجویان را سرویس می‌کنند، باید بگویم که شما اولین نفر و احتمالاً آخرین نفر نیستید! برای اینکه این فکر به حقیقت نپیوندد، دو نکته را به خاطر داشته باشید؛ اول اینکه حتماً در کلاس شرکت کنید. در ضمن، اگر به هر دلیلی نمی‌توانید با استادتان خوب ارتباط برقرار کنید، کلاس استادان دیگر را هم امتحان کنید. و دوم اینکه علاوه بر کلاس اصلی، کلاس تی‌ای را نیز جدی بگیرید و در طول ترم، تمرین حل کنید. **تی‌ای (TA)** مخفف «Teaching Assistant» به معنای دستیار آموزشی است. در دروس دانشکده‌های ریاضی و فیزیک، تی‌ای هفته‌ای یک جلسه کلاس حل تمرین برگزار می‌کند که معمولاً مفید است. فقط یادتان باشد کلاس‌های تی‌ای بعد از بازه ترمیم تشکیل می‌شوند. البته در ترم اول این زمان کمی متفاوت است. خلاصه پیگیر باشید. ما که دو هفته تمام پیگیر بودیم!

اگر فکر می‌کنید که با خواندن این متن، نشیده‌هایتان به پایان رسیده، سخت در اشتباهید! شریفی‌ها در هر مکان و زمان مشغول تولید کلمات جدید هستند. برای مثال در ترم‌های بعد با درس آ‌ش‌مک (آشنایی با مهندسی مکانیک)، مَقَمَص (مقاومت مصالح)، ریضمو (ریاضی مهندسی) و ... آشنا خواهید شد. امیدوارم که همه این درس‌ها را حضوری بگذرانید و به‌زودی، درس خواندن در سائمط‌های (سالن مطالعه) دانشگاه را هم تجربه کنید. قدر تک‌تک لحظات دانشجوی‌دنتان را بدانید؛ این لحظات، زودتر از آنچه فکرش را می‌کنید، می‌گذرند.

سلام به آخرین ورودی‌های قرن و ان‌شاء‌الله آخرین ورودی‌های روزهای کرونا‌یی! (این جملات را به ورودی‌های ۹۹ هم گفتیم؛ دعا کنید شما آخرین گروه باشید!) احتمالاً وقتی این متن را می‌خوانید، چند روزی سر کلاس رفته‌اید و با «سامانه کلاس‌های مجازی شریف» یا همان **وی‌کلس** آشنا شده‌اید. **زمان ما که تا این اندازه ساده نبود!** برنامه هفتگی‌مان را نگاه کردیم و دیدیم که محل تشکیل هیچ‌کدام از کلاس‌هایمان را نمی‌دانیم. نوشته بود «ساختمان ابن‌سینا الف ۲۲». اینکه نمی‌دانستیم ساختمان ابن‌سینا کجاست و الف ۲۲ یعنی چه، طبیعتاً مشکلی بود که باید خودمان آن را حل می‌کردیم. ساختمان ابن‌سینا یک ساختمان چهارطبقه است که تعداد زیادی کلاس دارد و البته تعداد زیادتری پله! حتی رسیدن به طبقه سوم آن هم انرژی زیادی می‌طلبد، طبقه چهارم که دیگر جای خود دارد! اوایل، به آن «ساختمان ابن‌سینا» می‌گفتیم، اما بعد دیدیم که ارزش وقت یک شریفی، بسیار بیشتر از این حرف‌هاست و تصمیم گرفتیم بگویم «ابن‌سینا!» البته کمی بعدتر فهمیدیم که وقت **سال‌بالایی‌ها** ارزشمندتر از ماست و آن‌ها ابن‌سینا را «**اِبْنِسن**» صدا می‌زنند! احتمالاً می‌دانید، اما گفتنش ضرر ندارد؛ سال‌بالایی برای شما یعنی ورودی ۹۹ و ماقبل. سعی کنید یک یا چند سال‌بالایی باحوصله پیدا کنید و تا قبل از اتمام حوصله‌شان از آن‌ها کمک بگیرید. اکثر شریفی‌ها سعی می‌کنند از راه‌های مختلف، در وقتشان صرفه‌جویی کنند؛ به‌خصوص اگر بخواهند **رنک (rank)** باشند. هر سال در همه دانشکده‌ها ده نفر از دانشجویانی که بین هم‌ورودی‌های خودشان بالاترین معدل را کسب کرده‌اند، معرفی می‌شوند و با اهدای لوح تقدیر، (البته اگر مجازی نباشد) از آن‌ها تقدیر می‌شود. در دانشکده ما، هفت رنک مکانیک داریم و سه رنک دریا. زمان معرفی رنک‌ها هم جشن یلداست، جشنی که پیشنهاد می‌کنم از دستش ندهید؛ چه مجازی باشد و چه حضوری! جشن‌ها کمی شما را از فضای درس و تمرین و **ددلاین (deadline)** دور می‌کنند. احتمالاً معنای لغوی ددلاین را می‌دانید. معنای اصطلاحی آن هم خیلی از معنای لغوی‌اش دور نیست؛ به مهلت تحویل تکالیف، ددلاین می‌گوییم. هرچه ددلاین‌های یک درس بیشتر باشند، یعنی تکالیفی که باید تحویل دهید بیشتر هستند و در نتیجه آن درس، **لود (load)** بالاتری دارد و شما را مجبور می‌کند که زمان بیشتری همراهش باشید. میزان لود هر درس، با تعداد واحدهای آن رابطه مستقیمی دارد. البته درس‌های یک‌واحدی معمولاً از این قاعده مستثنی هستند. مثلاً آ‌ها یا همان آزمایشگاه‌ها با وجود یک‌واحدی بودن، گاهی به اندازه یک درس سه‌واحدی لود دارند و نوشتن **گزارش** (گزارش آزمایشگاه) ممکن است حتی یک روز زمان ببرد.

چه درس‌هایی را پاس کنم تا مهندس شوم؟!



علی جوکار،
ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

بررسی کلی دروس و کاربردهای آن‌ها

با ورود به دانشگاه و نگاهی سریع به چارت دروس، سردردی شدید به انسان دست می‌دهد! تعداد زیادی درس که شاید نام برخی از آن‌ها نیز برایمان ناآشنا باشد. اما در این میان چه کنیم که در این بزرگراه عظیم، گم نشویم؟ به‌طور کلی، دروسی که باید در دوره کارشناسی بگذرانید تا شما را به‌عنوان یک مهندس مکانیک بشناسند، به دسته‌های عمومی، پایه، اختصاصی، آزمایشگاه و اختیاری تقسیم می‌شوند. در کل، باید ۱۴۰ واحد را پاس کنید تا به شما بگویند مهندس! حال برویم ببینیم این دروس چه هستند. دروس عمومی شامل دروس مرکز معارف (۱۲ واحد)، دروس آشنایی با ادبیات فارسی و زبان خارجی (هرکدام ۳ واحد) و دروس تربیت بدنی و ورزش (هرکدام ۱ واحد) هستند؛ یعنی جمعاً باید ۲۰ واحد درس عمومی را پاس کنید. در ترم یک، شما انتخاب واحد انجام نمی‌دهید و خود دانشگاه واحدها را برایتان اخذ می‌کند و معمولاً یکی از دروس زبان خارجی یا آشنایی با ادبیات فارسی را در این ترم خواهید داشت. همچنین درس تربیت بدنی نیز در برنامه درسی برخی از افراد قرار خواهد گرفت.

دروس پایه، همان دروسی هستند که شما معمولاً در ترم‌های یک و دو و سه آن‌ها را پاس می‌کنید و پیشنهاد دروس اختصاصی هستند؛ به‌عنوان مثال، ریاضی ۱ و ۲، فیزیک ۱ و ۲، مبانی برنامه‌سازی و ... از بین این دروس، در ترم یک باید ریاضی ۱ و فیزیک ۱ را پاس کنید و بقیه دروس را در ترم‌های بعد برمی‌دارید.

دروس اختصاصی، همان دروس اصلی هستند و برای مهندس شدن، پاس کردن این دروس الزامی است. اولین درس تخصصی که در ترم یک برای اکثر دانشجویان از طرف دانشکده اخذ می‌شود، درس نقشه‌کشی مهندسی مکانیک است که کاربردهای بسیار زیادی هم دارد. این درس پیشنهاد دروس طراحی اجزاء ماشین است و شما در درس طراحی اجزاء ماشین ۱ و ۲، به مهارت‌هایی که در این درس یاد می‌گیرید، نیاز پیدا خواهید کرد. از جمله مهارت‌هایی که در درس نقشه‌کشی یاد خواهید گرفت، کار با نرم‌افزار سالیدورکس (Solidworks) است که یادگیری آن برای هر مهندس مکانیک الزامی است. دومین درس تخصصی‌ای که شما باید آن را بردارید و پاس کنید، استاتیک است. وقتی به این درس اشاره کردم، یاد خاطره‌ای از روز اولی که دانشگاه را دیدم، افتادم. در آن روز، دوستان سال‌بالایی برای تعریف از رشته، شعار می‌دادند و ما هم تکرار می‌کردیم: «استاتیک، دینامیک، رشته فقط مکانیک!»



پایه‌ترین دروس برای رشته مهندسی مکانیک نیز همین دروس استاتیک و دینامیک هستند. از دیگر دروس اختصاصی نیز می‌توان به مقاومت مصالح، علم مواد، ترمودینامیک، مکانیک سیالات، طراحی اجزاء ماشین و ... اشاره کرد که شما از ترم ۳ به بعد باید آن‌ها را پاس کنید. در میان دروس اختصاصی چند درس کارگاهی هم وجود دارند تا شما را بیشتر با مهندسی مکانیک آشنا کنند. برای آشنایی با کارآموزی هم می‌توانید مجله‌های سال‌های قبل را بخوانید؛ چون قبلاً در این باره زیاد سخن گفته شده است و در ادامه احتمالاً باز هم متن‌های دیگری نوشته خواهند شد.

دروس آزمایشگاه نیز دروسی هستند که شما در آن‌ها با انجام آزمایشات بسیار، تعدادی داده را به‌دست خواهید آورد و بعد با استفاده از این داده‌ها، باید فرمول‌ها را اثبات کنید یا نمودارهایی را رسم کنید و به اصطلاح شریفی‌ها «گزاز» یا همان گزارش کار آزمایشگاه را بنویسید. وقتی برای اولین بار یک گزاز را نوشتید، متوجه خواهید شد که چه کار سخت و نفس‌گیری دارید انجام می‌دهید! مشکل دروس آزمایشگاه، یک‌واحدی بودن آن‌هاست و این یعنی اینکه علی‌رغم انجام دادن کار زیاد و وقت‌گیر، نمره این دروس تأثیر چندانی در کارنامه شما ندارد! بخش آخر نیز دروس اختیاری است که شما با توجه به گرایش و شاخه‌ای که انتخاب خواهید کرد، باید این دروس را اخذ کنید و جمعاً ۱۹ یا ۲۰ واحد از این دروس را پاس کنید.

در پایان نیز توصیه می‌کنم که از همان اول، کار درس‌ها را جدی بگیرید و خوب درس بخوانید تا موقع امتحانات به «چه کنم؟ چه کنم؟» دچار نشوید!



* برای مشاهده آیین‌نامه و فرم‌های آموزشی به سایت دانشگاه مراجعه کنید:

oldweb.sharif.ir/fa/education/rules/

- تعدادی از قوانین این دوره‌ها به شرح زیر است:
۱. سقف واحدهای دوره فرعی ۲۵ واحد و حداقل ۲۱ واحد تعیین می‌گردد.
 ۲. حداقل معدل کل دانشجوی متقاضی ورود به دوره فرعی ۱۴ است که در طی دوره تحصیل می‌بایست حفظ گردد.
 ۳. دانشجوی، از پایان نیمسال دوم تا پایان نیمسال پنجم می‌تواند وارد دوره فرعی شود.
 ۴. دانشجویان دوره فرعی مشمول پرداخت شهریه در قالب طرح تک‌درس می‌باشند. البته دانشجویان استعداد درخشان از پرداخت شهریه معاف هستند و اگر معدل دانشجوی در طی دوره فرعی کمتر از حد مجاز درج‌شده در آیین‌نامه استعدادهای درخشان شود، وی مشمول پرداخت شهریه باقی‌مانده واحدهای دوره فرعی می‌گردد.
 ۵. واحدهای دوره فرعی در کارنامه درج و نمره آن‌ها در معدل دانشجوی محاسبه می‌شود.

قوانین و چارچوب‌ها در هر جایگاهی که وضع شوند، غالباً دست‌وپاگیرند و بی‌تفاوت نسبت به استعدادهای و استثنائات؛ اما روی کاغذ هم که شده، برای ادامه تحصیل بدون دغدغه و بدون راه‌حل بدتر از بن‌بست (کمسیون و امثال آن) ناگزیریم که قوانین آموزشی دانشگاه را رعایت کنیم یا خیلی متمدانه، راه‌دروها را یاد بگیریم! در این نوشتار، خلاصه‌ای از قوانین آموزشی دانشگاه را بیان می‌کنیم و برای راه‌های فرار، شما را به دانشجویان مورد اعتماد سال‌بالایی ارجاع می‌دهیم.

ثبت‌نام و انتخاب واحد

در ترم اول، خود دانشگاه انتخاب واحد را برای دانشجویان انجام می‌دهد، ولی در ترم‌های بعدی برحسب معدل اخذشده در ترم گذشته، و در زمان مشخصی که به صورت رندوم مشخص می‌شود، دانشجویان به سایت مربوطه مراجعه می‌کنند و انتخاب واحد را انجام می‌دهند. برای آشنایی با دروس هر ترم، چارت پیشنهادی موجود در سایت دانشکده را مشاهده کنید.

www.mech.sharif.edu

سقف واحد برحسب معدل به شرح زیر است:

معدل	معدل کل کم‌تر از	معدل کل	معدل کل	دانشجویان	در نیم‌سال
معدل	۱۴/۰۰	۱۴/۰۰ - ۱۶/۹۹	۱۷/۰۰ - ۲۰/۰۰	دوره‌های	فارغ‌التحصیلی
سقف واحد مجاز	۱۸	۲۰	۲۴	۲۷	۲۴

تغییر رشته

اگر با هدف تغییر رشته به دانشگاه آمده‌اید یا اگر گذر زمان شما را نسبت به رشته تحصیلی تان دلسرد کرد و تصمیم به تغییر آن گرفتید، اطلاع از قوانین، اولین گام شما برای این کار خواهد بود. مواردی از قانون تغییر رشته:

۱. ادامه تحصیل متقاضی در رشته قبلی از نظر مقررات آموزشی بلامانع باشد.
 ۲. متقاضی، حداقل ۱/۶ (یک‌ششم) و حداکثر ۲/۳ (دوسوم) واحدهای دوره را گذرانده باشد.
 ۳. نمره آزمون ورودی متقاضی از نمره آزمون پایین‌ترین فرد پذیرفته‌شده در سهمیه و رشته مورد تقاضا در همان سال، کمتر نباشد. (چنانچه این شرط محقق نشود، درخواست دانشجوی طبق مصوبات کمیسیون موارد خاص بررسی خواهد شد).
- قوانین آموزشی از نیازمندی‌های زندگی هر دانشجویست، و معمولاً هم تفاسیر متفاوتی می‌توان از سایر دانشجویها درباره آن شنید! پس بنظر منطقی‌تر می‌آید که خودمان در بدو ورود با این قوانین آشنا شویم تا از سردرگمی‌های آینده جلوگیری شود.

مشروطی و ردی

برای قبولی در هر درس، باید حداقل نمره ۱۰ را کسب کرده باشید و برای مشروط‌نشدن حداقل معدل ۱۲ الزامی است؛ سه بار مشروطی شما را در معرض اخراج از دانشگاه قرار می‌دهد.

حذف اضطراری (w)

در موعدی که در تقویم آموزشی هر ترم مشخص شده، می‌توانید برای حذف تک‌درس اقدام کنید. البته دروس عملی به آسانی قابل حذف نبوده و معمولاً باید اجازه استاد درس یا مرکز مربوطه را کسب کنید.

دوره فرعی

دوره فرعی از استثنائات این قوانین است و اگر به زمینه‌ای غیر از رشته اصلی خود علاقه دارید، می‌توانید با گذراندن چند درس، در آن زمینه سواد کسب کنید و در نهایت، مدرک پایان‌دوره دریافت کنید. البته هدف این دوره‌ها صرفاً آشنایی با موضوع مربوطه است، نه تربیت یک متخصص.

پیش به سوی آزادی

تجربه ورود به دانشگاه حضوری

در واپسین روزهای تابستان پس از کنکور به سر می بردم، مشغول خیال پردازی و داستان سازی از تجربه جدید زندگی، گذار از مرحله نوجوانی و هزاران تجربه و مشکل جدید. برای من دانشگاه همه چیز بود، منظور از همه چیز یعنی آینده، پیشرفت و ...

انچنان کاخ باشکوهی را تصور کرده بودم که نگاه نقادانه و شکوه گرایی دیگران، موسفیدان و آنهایی که به اصطلاح دو سه پیراهن بیشتر پاره کرده بودند، اندکی تردید و سردرگمی در خیالم راه نمی داد. مجالی هم برای گوش دادن به این حرفهای کوچک بازاری نبود! بالأخره با رتبه خوب یک حداقل هایی برای خودم و شریف متصور بودم. «دانشگاه خبری نیست!»، «هرکسی مدرک داره و درس خونده، الآن اسنپه!»، «گرچه بازگشت همه به سوی اسنپ است، ولی بیخیال!» و ... از طرف دیگر دوری از شهر و خانواده، محل زندگی و دوستان هرکدام به مراتب سختی های خاص خود را داشت. سفر قندهار نبود، ولی همین کوچه بغلی هم نبود!

تا قبل از روز حرکت به سمت تهران، هیچ گاه آنقدر احساس دوری از شهر و دیار را نداشتم؛ گویا باید چیزی را از دست بدهی تا قدر گوهر وجودش را بدانی. از طرف دیگر فشار کنکور را چندین برابر حس می کردم. بالأخره اسم دانشگاه شریف در دید خود چندین تن برایت سنگینی می کند، چه برسد به نگرش دیگران!

خلاصه با بغضی تلخ و سراسر آشوب وارد دانشگاه شدم! شاید با تصوراتم زمین تا آسمان تفاوت داشت، اما معنای خود را همچنان حفظ کرده بود! زندگی با استقلال نسبی، آزادی عمل در بیش تر کارها و حرمت و شخصیت والای استادان؛ آنقدر این معناها زیاد بودند که فرصت برای چشیدن طعم هرکدام کافی نبود! «ترم یک و یافتن معنای خود و شخصیت خود»، ترکیبی که هر لحظه و هرگاه در پی یافتن آنی! چه انکار بکنی و چه اهمیت ندهی، ریسمانی است که گریزی برای عدم چنگ زدن به آن نداری.

گویی به بلوغی رسیده ای که تو را از بی خیالی، خوش خیالی و هرگونه امور مربوط به خیال و وهم باز می دارد. تقدیر این بوده، حال هرگونه که می خواهی آن را بگذران: حال در سالن مطالعه مرکزی و یافتن جای خالی برای ساعتی تفکر و مباحثه، حال خوردن غذای سلف روی چمن های جلوی ابن سینا و تجربه به اشتراک گذاشتن غذا با گربه ها یا انتخاب کردن فضای مکث برای دقایقی توقف و دراز کشیدن روی چمن ها حین خیره شدن به بزرگ ترین دانشکده حال حاضر شریف (البته الآن مکانیک حرف اول را می زند)! یا به هر نحو دیگری؛ این زمان متعلق به توست، می توانی تک بعدی باشی و اولویت هایت را به زیر مجموعه های نمره و سالمط و درس و کلاس و رنک و کردیت تقسیم بندی کنی، می توانی چند بعدی باشی و در کنار این قضایا، گرافی متشکل از انجمن های علمی و فرهنگی، گروه کوه، کانون های مختلف، فعالیت های دانشجویی و جکوز را امتحان کنی. تو آزاد هستی برای انجام هر کاری، تا زمانی که مشروط نشوی! یا به اصطلاح تا زمانی که همه چیز روال است. سردرگم نشو مثل من،



محمد بذرافشان، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



زمانی که به فضای عظیم و تقریباً ناشناخته شریف پا گذاشتم، نقشه دانشگاه از دستم نمی افتاد که مبدا به بی راهه روم. سردرگم نشو، زمانی که با خیل عظیم اصطلاحاتی روبه رو می شوی که در خواب هم نمی دیده ای! لود درس، تی ای خوب و بد، رنک اول و دوم، ددلاین بدموقع و آش خوردنی و پشت پای مک (که آش خاله محسوب می شود) یا نوشتن گزارش های طاقت فرسا، همه و همه برایت جا می افتد؛ اصلاً جای نگرانی نیست.

برای شما ورودی جدید که با تجربه مجازی شدن، پا به عرصه دانشگاه می گذاری، شاید غذای بی نظیر (؟) سلف، شاید ارتباط چشم در چشم با استادها و مباحثه حضوری با آن ها، شاید پیاده روی و پرسه زدن بین ساختمان های سرخ رنگ که غروب آفتاب میان آن ها آرمیده است، شاید رفتن به سایت و انجام تمرین برنامه نویسی، شاید هم مسیر شدن با دوستان واقعی در دانشکده قدیمی، شاید تجربه کلاس حضوری با استاد حق شناس، شاید کلاس های تالاری ریاضی ۱ و دویدن مثل باد برای رسیدن به ردیف اول، شاید بیدار شدن ساعت شش و رفتن به کارگاه ماشین افزار و تجربه طاقت فرسای سمباده کشیدن بر روح بزرگ خویش و شاید جشن حضوری ورودی ها و غزل خواندن استاد رحیمی و هزاران شاید دیگر که ممکن است تجربه نکنید را نتوان بر شمرد، اما اندکی حزن و ناراحتی در دل راه ندهید. «باز می شه این در، صبح می شه این شب».

شاید پخته تر و آگاه تر به دانشگاه پا بگذاری. که می داند؟ شاید تجربیات تو از تجربیات من به مراتب زیباتر باشند. تقدیر است، تقدیر را نمی توان تغییر داد. استرس های کُشنده شب های امتحان ریاضی ۱، لود بالای تمرینات و کوییزها، عدم تطابق مطالب درس داده شده با سؤالات امتحان، هیچ کدام را نمی توان تغییر داد. شاید این بار نوبت شما باشد که در «سقف های کوتاه و دیوارهای ساختمان قدیمی دوست داشتنی مکانیک که کمابیش مشابه آخرین پناهگاه هیتلر در برلین است»، خود را برای امتحانات آماده کنید. اما پیش می رویم، هرچه خواه پیش آید، به قولی «ما گر ز سر بریده می ترسیدم، در محفل عاشقان نمی رقصیدیم». برپاخیز رفیق! پیش به سوی آزادی! زنده باد خلق!



امیرمحمد صادقی چرمهینی، ورودی ۹۹ مهندسی مکانیک

برای آموختن وارد کلاس‌هایی شدیم که دیگر دانشجو روبه‌روی استاد ننشسته بود، تخته‌ای برای نوشتن وجود نداشت و کلاس درس، سامانه آموزش مجازی بود. برخی از استادان و دانشجویان در ابتدا، کار با سامانه را به‌خوبی بلد نبودند یا بعضی از روزها، سامانه کاملاً دچار مشکل می‌شد. از امتحان‌ها هم که دیگر نگویم، درست ابتدای امتحان سامانه هنگ می‌کرد یا اینترنت دچار مشکل می‌شد، حتی گاهی اوقات برق هم می‌رفت که با استرس زیادی همراه بود. اما با این حال دانشگاه مجازی بدون لطف هم نبود، چراکه بعضی از روزها، یک کلاس صبح و یکی بعدازظهر داشتیم که زمانی بین این دو کلاس دیگر تلف نمی‌شد و اگر بخواهیم حذف‌شدن زمان رفت‌وآمد و هزینه‌های زندگی در پایتخت را در نظر بگیریم، شاید جزو نکات مثبت تلقی شوند.

یک ویژگی مثبت شاخص، فراهم‌شدن امکان ضبط کلاس‌ها بود. درست است که به گفته‌ی سال‌بالایی‌ها، فیلم‌های ضبط‌شده هیچ‌گاه دیده نمی‌شوند و باید درس را سرکلاس آموخت، ولی اگر به دلایلی غیبت کرده یا درس را نفهمیده بودیم، ضبط کلاس‌ها خیلی به کار می‌آمد. به هر حال هرچه بود گذشت، دانشجویان و مسئولان آموزش عالی کشور با شیوه نوینی از آموزش، دانشگاه و کم و کیف آن‌ها آشنا شدند که امیدوارم نکات مثبت، در دوران پسا کرونا هم مورد استفاده قرار گیرد. اما ترم جدید در حال شروع‌شدن است و این‌طور که بویش به مشام می‌رسد، هنوز تکلیف حضوری‌شدن دانشگاه‌ها مشخص نیست! این موضوع از تجربیات تلخ گذشته هم ناراحت‌کننده‌تر است؛ ولی چه می‌شود کرد که امیدمان به خداست.

در کنار همه چیزهایی که کرونا آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار داد، دانشگاه‌ها مستثنی نبودند. اگر تا دیروز، دانشجو در قالب دانشگاه و ارتباط با اساتید معنا پیدا می‌کرد، اما امسال با تغییری بنیادین مواجه شده بود. به‌ویژه برای ما دانشجویان ورودی جدید که سال‌های زیادی برای ورود به دانشگاه و نشستن پشت نیمکت‌های دانشگاه محبوبمان، لحظه‌شماری می‌کردیم. عدم تعامل و ارتباط رودررو با سایر دانشجویان و اساتید، نشستن پشت لپ‌تاپ یا سیستم و ارتباط از طریق اینترنت، قطعاً حس خوشایندی نداشت.

اولین تجربه من از دانشگاه مجازی با لغوشدن اردوی مشهد ورودی‌های جدید که به رسم هر سال از سوی دانشگاه برگزار می‌شد، همراه بود؛ به‌طوری که همان اول کار ذوقمان کور شد! بعد از آن وارد فضای ثبت‌نام و امور دانشجویی شدیم که می‌توانم بگویم ساختار اداری دانشگاه در فضای مجازی به نحو مطلوبی اداره نمی‌شد؛ چراکه هنوز هم که هنوز است، برخی از هم‌دوره‌ای‌هایم در امور نظام وظیفه بلاتکلیف‌اند و همین روزهاست که دوستان تشریف آورند و آنان را از سر درس به خدمت مقدس ببرند! ارتباط و دوستی دانشجویان در گروه‌های تلگرامی در حال شکل‌گیری بود، اما برای کسی مثل من که سرعت تایپ‌کردنش کند بود و لحظه‌ای که می‌خواست عبارتی را تایپ کند، موضوع چت گروه عوض می‌شد، شاید گروه‌های تلگرامی بستری مناسب برای شناخت و دوست‌یابی افراد نبود. اما با شروع ترم و مشارکت در بحث‌های درسی، انجام پروژه‌های گروهی و شرکت در مسابقاتی که در طول سال برگزار می‌شد، بچه‌ها بیشتر با هم آشنا شدند.



علیرضا فکوریان،
ورودی ۹۹ مهندسی مکانیک

ای به تن پوشیده از دانش لباس آفتاب...!

از دبیرستان به دانشگاه!

ای به تن پوشیده از دانش لباس آفتاب

ای سده همراه با سرچشمه خوبی کتاب

نماده ای در ره رشد بشر پا در رکاب

آفرین بر تو مبارک باد بر این انتخاب

سوماً روش درس خواندن دانشجویی با دبیرستانی تفاوت‌هایی دارد، مثلاً: حجم مطالب درسی زیاده، پس نذارید رو هم تلنبار بشه، حضور و غیاب هم خیلی سخت‌گیرانه نیست تو دانشگاه، ولی حتماً درس‌های مهم مثل دروس پایه رو شرکت کنید تا دید دانشجویی پیدا کنید؛ اصل ماجرا تو درس خواندن خودتی و استاد، نقش کم‌رنگی داره، دقیقاً برعکس دبیرستان. و اینکه تا جایی که می‌تونید از کتاب‌های مرجع با زبان اصلی استفاده کنید، تا هم زبانتون تقویت بشه، هم با اصطلاحات رشته‌تون آشنا بشید. در آخر، تو دبیرستان به خاطر اینکه همه دوستات همشهری‌هات بودن و هم‌جنس خودت، باهاشون راحت‌تر بودی و اخلاق‌هاتون به هم نزدیک‌تر. اما تو دانشگاه، دانشجویهای دختر و پسر از تمام ایران کنار هم جمع می‌شن تا درس بخونن و تو باید تلاش کنی دوست‌های جدید پیدا کنی، تا در شرایط مختلف به همدیگه کمک کنین. همین‌طور باید سعی کنی خودت رو با شرایط جدید وفق بدی تا بتونی با خوشی چهار سال کنار دوست‌های جدیدت زندگی کنی!

به دانشگاه شریف خوش اومدی! ورودت به دانشگاه، مصادف با کلی اتفاق تازه است. اتفاق‌های خوب و بد که کم‌وبیش با دوره‌های قبلی زندگی‌ات فرق‌هایی دارد؛ پس باید همین اول کار چند تا نکته درباره زندگی دانشجویی و تفاوتش با دوران خوش دبیرستان رو بگم! اولاً، اینکه دانشگاه مثل مدرسه نیست که مامان و بابا برات خوراکی آماده کنن و کیفیت رو جمع کنن تا بری علم بیاموزی، اینجا باید خودت همه کارات رو بکنی، برای خودت برنامه بریزی، چون دیگه مشاورهای کنکور نیستن که حواسشون به درس خوندنت باشه و مثل مدرسه کسی پیگیر درس‌هات نیست. اگه دانشجوی خوابگاهی هم هستی، باید انتظار سروصدای بقیه دانشجویها رو داشته باشی، مراقب فضول‌ها و فضولی‌هاشون باشی، مراقب لوازم شخصی‌ات باشی و خودت رو برای همه نوع سلیقه آماده کنی. دوماً، اینجا کسی برات برنامه هفتگی نمیاره برای کلاس‌ها! الان، ترم اولی هستی و این رو درک نمی‌کنی، ولی یه چیزی داریم به نام انتخاب واحد؛ که کم از جنگ جهانی نداره! باید خودت استادهای خوب رو پیدا کنی، ساعت درس‌ها رو با هم تنظیم کنی که با هم تداخل نداشته باشن (البته این کار آسون نیست!) این سوال که چه زمانی و چه درسی رو انتخاب کنی، باعث می‌شه برای یک رشته تعداد زیادی برنامه تحصیلی به وجود بیاد. پس باید در دوران تحصیل دانشگاهی خودت مسیرت رو انتخاب کنی و حواست باشه که از بقیه عقب نمونی.





من چگونه مکانیکی شدم؟

شاید آنچنان دور از ذهن نباشد که من هم مثل اکثر بچه‌ها تصمیم نهایی انتخاب رشته‌ام پس از اعلام اولیه کنکور بود. دربه‌در دنبال فارغ‌التحصیلان و دانشجویهای رشته‌های مختلف بودم تا اینکه به نتیجه برسم. از شانس بد ما به کرونا خوردیم و همایش حضوری هرساله شریف را از دست دادیم! ولی به هر نحو این دوره هم گذشت و من تصمیم خودم را گرفتم.

نکته‌ای که برای من خیلی مهم می‌نمود، جامع‌بودن مهندسی مکانیک بود. اینکه یک مهندس مکانیک در چه زمینه‌هایی فعالیت بیشتری می‌کند؟ چه صنعت‌هایی روی دوش مکانیکی‌هاست؟ مهندسی مکانیک، رشته‌ای به شدت وسیعی است و در طول تاریخ از دل آن رشته‌هایی مثل مهندسی مواد و هوافضا و مهندسی شیمی بیرون آمدند! پس مطمئن باشید در هر صنعتی در هر زمان و مکانی مکانیک لازم است!

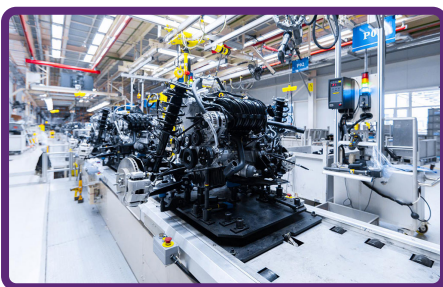
تصورم به رشته قبل و بعد دانشگاه!

با توجه به حرف‌هایی که از سایر دانشجویها می‌شنیدم، تنها حسی که به من دست می‌داد آن بود که فکر می‌کردم مکانیک یک شکل دیگر باشد و حتی احساس پشیمانی زیادی از انتخابم می‌کردم. در بدو ورود معمولاً برای فضا سازی، درس‌های مشابه دبیرستان را با رشته‌ها مقایسه می‌کنند؛ که البته به نظرم کار جالبی است و تا حد کمی دید انسان را به واقعیت نزدیک می‌کند اما این مقایسه ساده‌انگارانه واقعاً کافی نیست.

وقتی وارد دانشگاه شدم با واحدهای سرویس و عمومی روبه‌رو شدم که اصلاً انتظارش را نداشتم! در واقع تا ترم ۳ خبری از دروس تخصصی مکانیک نبود و فرصت خوبی برای من بود تا به محیط خود دید مکانیکی پیدا کنم! البته ترم ۲ با درسی به نام «آشنایی با مهندسی مکانیک» روبه‌رو شدیم که اساتید مطرح و افراد صنعتی موفق از تجارب خود و حرفه و کارشان برایمان سخنرانی می‌کردند. این کلاس به مقدار زیادی به تقویت دید ما کمک کرد و ما را با رشته وسیع‌تر آشنا کرد. بعد از اتمام این درس توانستم تا حدودی گرایشی که دنبالش هستم را پیدا کنم. توصیه‌ای که از دل آن تجربه شیرین می‌توانم داشته باشم آن است که تا جایی که می‌توانید در تکاپو و جست‌وجو باشید، دیدتان را وسیع و وسیع‌تر کنید و از فضای دانش‌آموزی بیرون بیایید!

اگر برگردم به گذشته چه انتخابی می‌کنم؟

با ورود به دانشگاه، نظرم چرخید! منی که به دنبال تغییر رشته بودم، با گذراندن درس «آشنایی با مهندسی مکانیک» در ترم ۲ با ابعاد جدید این رشته آشنا شدم و حتی گرایشم را نیز انتخاب کردم! در این درس تک‌تک گرایش‌های جامدات و سیالات و کنترل و ... بررسی شد و کاربردهای صنعتی در دنیای واقعی نیز بیان شد که بسیار به انتخابمان کمک کرد. اگر شما هم مثل من به شک افتاده‌اید؛ کمی صبر کرده و بیشتر تأمل کنید و سریع از مکانیک رد نشوید! امروز با خودم تکرار و تکرار می‌کنم که «اگر به روز انتخاب رشته برگردم، با تمام وجود مکانیک را انتخاب می‌کنم».



آمدنم بهر چه بود؟

مهارتی به نام انتخاب کردن



سیدپارسا قزوینی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

گفتند چند خطی بنویسم در باب اینکه چرا مکانیکی شدم و چرا احساس پشیمانی می‌کنم. صحبت درباره اولی که حسب حال می‌خواهد و این اندک لغات کافی نیستند؛ لکن باید یاد کنم از روزگاری نه‌چندان دور که هنوز سرخوش از چندین عدد دو رقمی بودم و «این را دوست دارم و آن را دوست ندارم گویان» دفترچه انتخاب رشته پر می‌کردم! غافل از اینکه اصلاً نمی‌دانم این یا آن چیستند و یا دوست داشتن رشته اصلاً یعنی چه! خوب یا بد، درست یا غلط، نتیجه ۱۸ سال تحصیل شده بود تعدادی عبارات کلی و عموماً به‌دردنخور و نبود مهارتی که سخت نیازمندش بودم، یعنی تصمیم‌گیری. و مشخص نیست که بدون وجود این مهارت چگونه باید تصمیم می‌گرفتم. همین هم شد؛ با ذکر من شیمی دوست دارم (که از حق نگذریم واقعاً دوست دارم!) م. شیمی (مهندسی شیمی) را هدف گرفتم؛ اما از آنجا که بالأخره زشت است که با این رتبه! کامپیوتر و برق نمی‌روی، دیگر م. شیمی هم نرو و از جایی که «بابا اینا ۹۰ درصدشون مثل همه»، مکانیکی شدم. اگر در دور و اطرافتان چرخ می‌بینید، می‌بینید بقیه هم چندان تفاوتی با من نداشتند. اما اصل قصه‌ای که می‌خواهم برایتان تعریف کنم، از اینجا به بعد است. چرا پشیمانم؟ اصلاً پشیمانم؟ سوال سختی است. دو سالی از آن روزگار گذشته و من دیگر آن پارسای سابق نیستم؛ بیشتر خوانده‌ام، بیشتر دیده‌ام، بیشتر تجربه کرده‌ام و از همه مهم‌تر، بیشتر اندیشیده‌ام. اگر در تابستان سال ۹۸ سؤال «مکانیک یا م. شیمی» بود، در تابستان ۱۴۰۰ سؤال از جنس هدف زندگی است و اصل سؤال هم همین است. هر سؤال دیگری فرعی است. باید به اصل پرداخت. تکلیفتان با خودتان که مشخص شد، دیگر بقیه تصمیمات ساده‌اند. اپلای بکنم یا نکنم، فلان جا کارآموزی بروم یا نروم، بهمان درس را بگیرم یا نگیرم، همه و همه سؤالات فرعی‌اند.

رسیدن به جواب این سؤال اصلی، هم طول می‌کشد و هم همتی والا می‌طلبد. در این دو سال، دریافتم هیچ‌وقت برای پرداختن به این سؤال دیر نیست. بله، اگر دو سال پیش می‌دانستم به چه علاقه دارم و چه کار می‌خواهم بکنم، قطعاً نه مکانیک بودم و نه شریف؛ اما قطعاً من هم دیگر این پارسا نبودم.

حالا مگر مکانیک رشته بدی است؟ اصلاً خیلی هم رشته خوب و جذابی است. چندی پیش که یکی از همین تازه‌کنکور داده‌ها در دوگانه برق-مکانیک گیر کرده بود، (که این هم از آن عجایب روزگار است، به مدد استعدادشناسی درست دانش‌آموزان! از کدهای پشت‌سرهم گرفته تا مدار نمی‌دانم چی و گیربکس و شافت و ... جزو علایقش است؛ تازه اگر دو سال بعد نفهمد که اصلاً دنبال شناخت ایسم‌ها و حل تورم و ... است) برایش از جذابیت‌ها و اهمیت مکانیک می‌گفتم و درستش هم همین است. چه کسی گفته وقتی رشته‌ای را دوست نداری، باید تخریبش کنی و بدش را بگویی؟ شاید مناسب «تو» نباشد. «تو» را که بشناسی، آن وقت رشته مرتبط با آن را هم میابی و چقدر این چهار سال با تمامی مشغله‌هایش فرصت مناسبی برای شناخت این «تو» است. خطاب نهایی‌ام به آن‌هایی است که یا نمی‌دانند چرا مکانیک آمده‌اند یا با علاقه نیامده‌اند؛ فرصت را دریابید، این تو را بشناسید، اطرافتان را بشناسید و هرگز از تغییر نترسید!



صالحه کیوانلو، ورودی ۹۸ مهندسی دریا

ریاضیات، فیزیک، محاسبات عددی، مهندسی مکانیک در همه گرایش‌ها، مهندسی عمران (سازه‌های دریایی) و تا حدودی از علم مواد، مهندسی برق و مهندسی نفت و گاز است. این رشته در کشور ما نیز دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است چراکه کشور ما با داشتن مرزهای آبی گسترده پتانسیل بالایی برای کارآفرینی در این حوزه دارد. با تمام این‌ها بعد از گذشت دو سال از دوره کارشناسی، متأسفانه دروس تخصصی دریا جذابیتی برای من در این رشته ایجاد نکرد که این موضوع تا حد زیادی به علاقه شخصی برمی‌گردد؛ ولی نحوه ارائه برخی دروس به گونه‌ای بود که حتی برای بعضی از دوستانی که با علاقه وارد این رشته شده بودند نیز باعث کاهش انگیزه شده بود. در این مدت افتخار حضور در کلاس اساتیدی را داشتم که در نوع تدریس، شیوه عجیب و مبهم ارزیابی دانشجویان و اخلاق مخصوص به خود در دانشکده مکانیک و حتی در سطح دانشگاه کم‌نظیر بودند! سال‌های من از عدم ارائه درس‌های اختیاری جذاب و متنوع و نبود بازار کار مناسب شکایت داشتند؛ تعدادی از آن‌ها ترجیح می‌دادند در رشته دیگری تحصیل کنند. در این میان افرادی هم بودند که با رتبه‌های خوب و یا داشتن مدال المپیاد و با علاقه فراوان وارد این رشته شده بودند که تعدادشان کم بود. از دیگر مواردی که احساس خوبی در من ایجاد نمی‌کرد، تعداد کم دانشجویان پذیرفته‌شده در این رشته بود که خود، مشکلات آموزشی زیادی به همراه داشت؛ از جمله ارائه دروس تخصصی توسط یک استاد ثابت و مشخص و یا عدم امکان تغییر رشته با شرط معدل. از سوی دیگر با گذشت زمان به وسعت رشته مکانیک پی بردم و دروسی نظیر دینامیک، ارتعاشات، رباتیک و ... برایم جالب به نظر می‌آمد و انگیزه ازدست‌رفته را احیا می‌کرد.

الآن که فکر می‌کنم در مجموع با توجه به گزینه‌های

ممکن از انتخابم راضی‌ام و اگر به دوران انتخاب رشته

برگردم نیز تجربه تحصیل در این دانشکده دوست‌داشتنی

را از دست نخواهم داد. خوشبختانه تسهیلاتی نظیر ماینور و

... امکان تغییر مسیر را تا حدی فراهم می‌کنند و هرچه

جلوتر می‌روم، گزینه‌های متنوعی پیش رویم می‌بینم

که باعث خوشحالی است، ولی انتخاب را سخت می‌کنند.

درنهایت من دریایی شدم و به دریایی از انتخاب‌ها رسیدم.

وقتی رتبه کنکور می‌آید و آن رشته دلخواه در دانشگاه مورد علاقه‌ات را قبول نمی‌شوی و از طرفی نمی‌خواهی یک سال دیگر را برای کنکور مجدد صرف کنی، تمام تلاشت را می‌کنی که هرطور شده غیرممکن را ممکن کنی. علتش برمی‌گردد به ایده‌آل‌گرایی شدید که نمی‌توانی از دانشگاه رویاهایت، تحصیل در جمع بهترین‌های کنکور و افرادی که احتمالاً طرز فکر و اهداف مشترکی با تو دارند و البته دعوت‌نامه‌های صادره از ناسا و سیلیکون‌ولی بگذری!

در این لحظه است که از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، ۲۵ ساعت

را به بررسی و تحقیق در مورد تمام گزینه‌های موجود

می‌گذرانی و به دنبال راهی هستی که در نهایت تو را به

چیزی که می‌خواهی برساند. در همین حین برای اولین بار

اسم مهندسی دریا را در دفترچه انتخاب رشته دیدم. در ابتدا

هیچ اطلاعاتی در مورد آن نداشتم و حتی از اسمش هم خوشم

نیامد. می‌شد حدس زد که محتوایش هم برایم جالب نخواهد

بود. از دیدگاه خانواده که کلاً این رشته را عجیب و ناشناخته

می‌دانستند! بگذریم. با تحقیق بیشتر فهمیدم این رشته در

واقع همان مهندسی مکانیک است با کاربردهای دریایی که

در دانشکده مکانیک ارائه می‌شود. در آن لحظه به علت علاقه

به فیزیک و احتمالاً مکانیک احساس کردم بهترین انتخاب

ممکن با توجه به شرایط است؛ ولی همچنان ناراحت بودم.

روز ثبت‌نام دانشگاه یکی از دانشجویان مکانیک بعد از اینکه

رشته‌ام را پرسید گفت: «مکانیک با دریا هیچ (با تاکید) فرقی

نداره، فقط بیست واحد اختلاف دارن!» احتمالاً شدت علاقه را

در چهره‌ام می‌دید. انگیزه و احساس خوبی که حرف‌هایش در

من ایجاد کرد هرگز فراموش نخواهم کرد.

ترم اول دانشگاه را مانند سایر دانشجویان مکانیک گذراندیم

و از ترم دوم درس‌های تخصصی دریا هم شروع شد. رفته‌رفته

ماهیت و اهمیت این رشته برایم روشن‌تر شد. اگر بخوایم

در حال حاضر، توصیفی از این رشته ارائه دهیم باید بگویم

که مهندسی دریا به‌طور گسترده انواع فعالیت‌های مهندسی

مربوط به دریاها و اقیانوس‌ها و سواحل را در بر می‌گیرد.

در مطالعه علوم مرتبط با مهندسی دریا، به دلیل فیزیک

پیچیده‌ی حاکم بر دریاها و اقیانوس‌ها استفاده از علوم

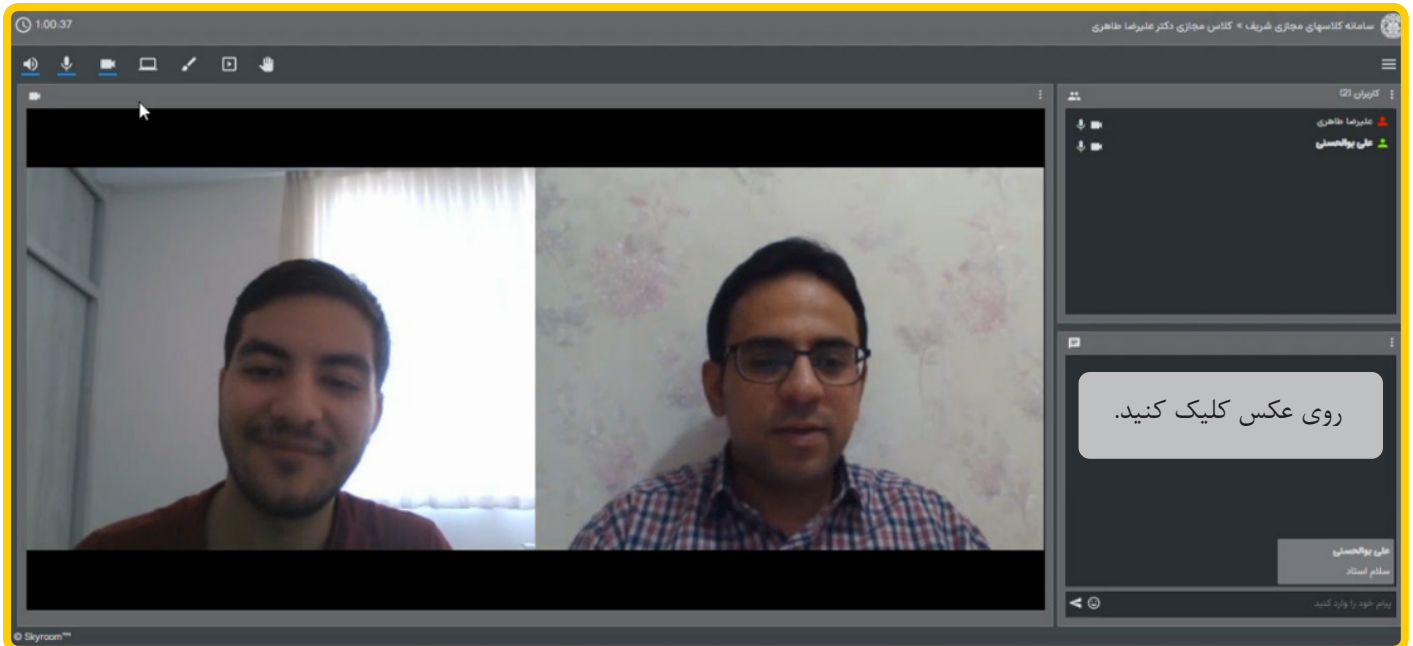
پایه مهندسی و علوم پایه نظری حائز اهمیت است. از این

رو مهندسی دریا یک شاخه بین‌رشته‌ای محسوب می‌شود

و می‌توان گفت بیشتر محتوای کاربردی آن برگرفته از



با دکتر طاهری فارغ التحصیل دانشگاه شریف و عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی مکانیک



خوش آمدگویی و معرفی:

و به همین دلیل، تحصیل در دانشگاه شریف حس خوبی به آدم می‌دهد. یک حس سطح بالابودن! دانشگاه از این نظر که تنوع زیادی در آدم‌هایش وجود دارد، با مدرسه فرق دارد که همه دانش‌آموزان تقریباً یک‌دست هستند.

دانشجو بودن چگونه است؟ آیا علامت خاص دارد؟

اولین تفاوت دوران دانشجویی و ورود به دانشگاه شریف، می‌تواند این باشد که تا سن ۱۸ سالگی خانواده‌ها برای بچه‌ها تصمیم می‌گیرند و بچه‌ها در عمده مواقع، تحت هدایت خانواده‌ها هستند؛ اما در زمان ورود به دانشگاه، آن تصمیم‌گیری‌های موجود در زمان دانش‌آموزی در حال کم‌شدن است و دانشجویها مستقل‌تر می‌شوند. صرف نظر از دانشجوی شدن، گذر از این مرحله نوعی بزرگ‌شدن است و بچه‌ها به چیزهای جدیدی نزدیک می‌شوند؛ دوران فارغ التحصیلی، دوران رفتن به سر کار، دوران ازدواج و تشکیل خانواده و بچه‌دار شدن. در کمتر از ۴ تا ۸ سال آینده همه یا بخشی از این اتفاقات رخ می‌دهند و بچه‌ها باید آمادگی لازم را داشته باشند تا بتوانند این روند را بهتر طی کنند. زندگی دانشجویی به دو دسته خوابگاهی و غیرخوابگاهی تقسیم می‌شود. زندگی در خوابگاه، خودش چالش‌های گوناگونی به همراه دارد و حس متفاوت بودن به انسان دست می‌دهد. این ساده‌ترین توصیف استقلال است که دانشجوی خوابگاهی در همه ابعاد زندگی - از درس گرفته تا زندگی روزمره - استقلال را تجربه می‌کند. اینجا خود دانشجویست که باید تصمیم‌گیرنده باشد و اینکه خود آدم تجربه کند، حس شیرین و بسیار لذت‌بخشی است.

به نام خدا؛ عرض سلام و ادب به همه دوستان عزیز که این صحبت‌ها را می‌خوانند. خدمت دوستان تبریک عرض می‌کنم و برایشان آرزوی موفقیت می‌کنم. من «علیرضا طاهری» استادیار دانشگاه شریف هستم و از بهمن‌ماه ۹۷ به‌عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه شریف شروع به کار کردم. بنده مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده مکانیک دانشگاه شریف گذراندم و یکی از فرزندان شریف هستم؛ البته نمی‌دانم چقدر خلف هستم! در ابتدا برایتان آرزوی سلامتی می‌کنم و امیدوارم که در شرایط سخت همه‌گیری کرونا خودتان و خانواده‌هایتان در سلامت کامل باشید.

دانشگاه شریف را چگونه توصیف می‌کنید؟

اولین حس و حال دانشگاه شریف برای ما همان حس و حال دوران گذار از دانش‌آموزی به دانشجویی است که موقع ثبت‌نام و ورود از سردر اصلی دانشگاه اتفاق می‌افتد. دلایل مختلفی هم دارد؛ به بیان ساده و عامیانه به بچه‌ها گفتند که «وقتی وارد دانشگاه شدید حس و حالتان چگونه بود؟» جواب می‌دادند: «بابا تو دیگه کی هستی!» فکر می‌کردند وارد جای بزرگی شدند که البته شریف واقعاً جای بزرگی است؛ فرهیختگان زیادی دارد، برای استخدام مدرسان، معیارهای بسیار بالایی دارد و استخدام‌های بسیار ارزشمندی داشته که در آن مشغول به تدریس هستند. به‌علاوه، افراد ارزشمندی نیز در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند

به نظر شما چگونه می‌توانیم در دانشگاه شریف موفق باشیم؟

بستگی به تعریف ما از موفقیت دارد. اگر منظور از موفقیت، موفقیت در عرصه تحصیل است که شاخص‌های مهمی دارد. دانشجو باید هم به صورت دوره‌ای و هم به صورت مقطعی خودش را ارزیابی کند. معدل‌های ترمی و معدل‌های پایانی هر دوره، نمادی از عملکرد یک فرد در دوران تحصیل هستند. این یک شاخصه است. شاخصه دیگر، میزان مقالاتی است که یک دانشجو می‌نویسد؛ البته در دوران کارشناسی یک مقدار کمتر، ولی در ارشد و دکتری، این یکی از عواملی است که موفقیت را مشخص می‌کند. علاوه بر این‌ها فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی یک شاخص هستند. البته نه صرفاً به قصد سرگرمی؛ بلکه منظور، فعالیت‌های علمی جانبی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی است. از طرف دیگر، دانشگاه شریف یکی از دانشگاه‌های مطرح ایران است و بچه‌ها برای رسیدن به اینجا بسیار تلاش کرده‌اند. به عبارتی بچه‌ها موفق وارد دانشگاه می‌شوند! اما باید چند نکته را لحاظ کنند. تاریخ مصرف یک سری مسائل گذشته است؛ از جمله رتبه کنکور، معدل‌های دبیرستان و موفقیت در شهرهای خودمان. دانشجویان هنگام ورود به یک مقطع جدید مثل کارشناسی یا کارشناسی ارشد در واقع با یک لوح سفید روبه‌رو هستند و این می‌تواند جایگاه خوبی برای جبران گذشته باشد که علاقه خود را بشناسند و برای کسب آن تلاش کنند و عملکرد بهتر مساوی است با تلاش بیشتر. شاید این جمله، کلیشه‌ای باشد، اما خودتان را با خودتان مقایسه کنید. نیازی نیست که خودتان را با دیگران مقایسه کنید، چون شرایط زندگی هر کس متفاوت است. تلاش کنید انسان بهتری باشید.

در دوران دانشجویی خودتان چه فعالیت‌ها دانشجویی داشتید؟ و نظرتان در مورد آن‌ها چیست؟

دوران دانشجویی صرفاً یک برهه از زندگی است که در آن نیازهای اصلی و فرعی وجود دارد. مادامی که انسان تعادل را رعایت کند و رسالت اصلی خود را فراموش نکند، می‌تواند مفید باشد. من نیز یک سری از علایق شخصی را جسته و گریخته در برهه‌های زمانی مختلف دنبال می‌کردم که بیشتر شامل فعالیت‌های ورزشی می‌شد. در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی کمتر درگیر بودم. در یک برهه عضو تیم شطرنج دانشگاه بودم و به صورت حرفه‌ای ادامه می‌دادم و در بیرون دانشگاه هم با توجه به نیازهایم در کلاس‌های مختلفی شرکت می‌کردم؛ اما در همه این موارد یک خط قرمزی داشتم و رسالت اصلی خودم را در دانشگاه شریف، به عنوان یک دانشجو فراموش نکردم که درس خواندن بود. هر جایی که به این خط قرمز نزدیک می‌شدم، این کارها را کم‌تر می‌کردم.

در دوران دانشجویی، کار کردن در خارج از فضا دانشگاه چه مزایا و معایب دارد؟

اکثر بچه‌ها تمایل به استقلال دارند. این حس، بنا به دلایل مختلفی به وجود می‌آید که غرور می‌تواند یکی از آن‌ها باشد. همیشه در نظر داشته باشید که قیدی برای ترمز کشیدن وجود داشته باشد. اگر از همان ابتدا بخواهید به این مسائل پر و بال بدهید (که عمدتاً شامل فعالیت در حوزه کنکور می‌شود و البته به نسبت زحمتش درآمد بدی هم ندارد) درست است که الآن پول به دست می‌آورید، اما باید این را هم در نظر داشته باشید که ممکن است در عوض، دانشگاه را از دست بدهید که می‌تواند در آینده باعث از دست دادن شغل‌هایی در حوزه رشته‌تان شود.

بچه‌ها باید چگونه علاقه خودشان را در گرایش‌ها مشخص کنند؟

یکی از نکات مثبت چند سال گذشته، راه‌اندازی درس آشنایی با مهندسی مکانیک است که حوزه‌های مختلف مهندسی مکانیک را برای بچه‌ها توضیح می‌دهد. خوشبختانه مهندسی مکانیک به عنوان مهندسی مادر به قدری زیرشاخه دارد که کسی نمی‌تواند بگوید که علاقه خودم را در آن پیدا نکردم. در آیین‌نامه طبق بازنگری دروس، دوستان باید از حوالی ترم شش یکی از شاخه‌های «کنترل» (ارتعاشات، دینامیک و رباتیک)، «جامدات» یا «سیالات» را دنبال کنند. این موضوع دارای قوانینی است و باید در دروس اختیاری و انتخابی دقت شود. دانشجویان در ترم‌های دو، سه و چهار با مبانی هر کدام از این شاخه‌ها آشنا می‌شوند؛ مثلاً در ترم دو درس «استاتیک» را اخذ می‌کنند که مقدمه ورود به «دینامیک» است و «دینامیک» و «اندازه‌گیری و سیستم‌های کنترل» در شاخه کنترل و رباتیک قرار می‌گیرند. در دروس «مقاومت مصالح ۱ و ۲» با شاخه جامدات آشنا می‌شوید و در دروس «سیالات» و «ترمودینامیک» هم با گرایش سیالات. بعد از آن با توجه به شرایطتان، می‌توانید تصمیم‌گیری کنید.

در دانشگاه، رفتن به خارج از کشور چندین سال است که به یکی از دغدغه‌ها و دانشجویان تبدیل شده است. شما این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دانشگاه شریف برای افرادی در سراسر ایران یک جاذبه است؛ زیرا می‌تواند به آن‌ها بال پرواز بدهد و همین باعث محبوبیت آن می‌شود. ببینید در علوم انسانی لزوماً دو دو تا چهار تا نمی‌شود. یعنی ممکن است هر کس در شرایطی تصمیماتی بگیرد که از آن‌ها راضی باشد، به علاوه همه افراد همه امکانات را ندارند. بنابراین آدم‌ها به دلایل مختلفی ممکن است ماندن یا رفتن را انتخاب کنند.

کلام آخر و توصیه:

من خیلی کوچک‌تر از این حرف‌ها هستم که بخواهم توصیه‌ای به دوستان ارائه بدهم. در واقع از نظر سنی کوچک‌ترین عضو دانشکده هستیم. اهداف خودتان را بشناسید. شما از دانشگاه شریف به خیلی جاها می‌توانید برسید؛ به هر جایی که یک روزی رؤیای آن را داشتید. یادتان باشد که تلاش، برنامه‌ریزی و پابندی به تعهدات را فراموش نکنید. سختی کشیدن می‌تواند جزء شیرینی از زندگی‌تان باشد و ان شاء الله آینده‌تان را می‌سازد. برای همه بهترین آرزوها را دارم. اول اینکه سالم باشید و در نهایت بتوانید به هر چیزی که مد نظرتان است برسید.





فاطمه شجاعی،
ورودی ۹۸ مهندسی دریا

یک بعدی؟ دو بعدی؟ یا بیشتر؟!

شکافی در مفهوم ابعاد

بوی غذاهای مختلفی شما را سردرگم می‌کند، هر نوع خوراکی در اینجا پیدا می‌شود. از آش رشته داغ و ساندویچ‌های فلافل گرفته تا باقلوهای شیرین تبریز و قطاب اصیل یزد و پفک‌های به اصطلاح هندی! ممکن است از یک سمت و سو صدای موسیقی‌های سنتی را هم بشنوید و نگاهتان در لباس‌های محلی برخی افراد نیز گیر کند. برخی اوقات هم بازار کیف‌های چرمی و فروش تابلوهای دست‌ساز و فیروزه‌کوبی‌های اصفهان داغ می‌شود و افرادی که سوغاتی‌های شهر خود را به رخ رفقای خود می‌کشند. نگران نباشید در اینجا برای اهالی کتاب و نرم‌افزارهای مختلف نیز تدابیر خاصی اندیشیده شده است. از نرم‌افزارهای مختلف مهندسی گرفته تا کتاب داستان حنا دختری در مزرعه در اینجا موجود است! حتماً برایتان سؤال می‌شود که «اینجا» کجاست؟ شاید با خودتان می‌گویید ممکن است محل برگزاری نمایشگاه‌های موقت باشد، شاید هم بازارچه‌ای برای اجناس مختلف و شاید هم یک خیریه! خب باید بگویم که حدس‌هایتان اشتباه است! اینجا دانشگاه صنعتی شریف است، واقع در خیابان آزادی! جایی که شاید باور این حرف‌ها برای افراد بیرون از این دیوارها دشوار باشد و تا حدودی ناممکن. راستش را بخواهید اولین بار برای من هم تعجب‌برانگیز بود. آخر دانشگاه و این کارها؟ آن هم از نوع شریف و شریفی‌جماعتش؟ قبل از ورودم به دانشگاه، شنیده‌ها حاکی از این بود که یک مشت آهوخوان تک‌بعدی (با عرض ارادت به خر محترم) با استعمال انواع گل (ان‌شاءالله که از نوع گاوزبان) سعی در افزایش تمرکز و بازدهی خود دارند! راست و دروغش را که کنار بگذاریم، از استخر زیبای شریف و سالن ورزشی جبّاری برایتان بگویم؛ انواع ورزش‌ها از فوتسال گرفته تا شطرنج و صخره‌نوردی در آنجا موجود است و بساط لیگ‌های والیبال و بسکتبال دانشکده‌ای نیز همیشه داغ! اگر در تالارها نشسته بودید و صدای داد و بیدادی حواستان را پرت کرد، اصلاً نترسید؛ احتمالاً رفقا سقف جبّاری را یک‌جا پایین کشیده‌اند. کمی جلوتر با ساختمانی روبه‌رو می‌شویم که تعدادی دانشجوی مهندس هنرمند زحمت خوشگل‌سازی داخل و پله‌های آن را کشیده‌اند؛



از گوشه و کنار هم صدای موسیقی ملایم و شاید هم تا کمی گوش‌خراش شنیده می‌شود که احتمالاً یک دانشجوی اهل دل سعی دارد تا کمی از دنیای صلب صفر و یک‌ها و چرخ دنده‌ها و... فاصله بگیرد و خود را وارد دنیای تارها و سه‌تارها کند؛ شاید هم هوای عاشقی به سرش زده است و در جنون به سر می‌برد. «مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد/ نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد»

منبع این صداها و آوازها کانون موسیقی است، واقع در ساختمان شهید رضایی دانشگاه صنعتی شریف! داشتم از پله‌های رنگی‌رنگی و ستون‌های نقاشی‌شده اینجا برایتان می‌گفتم که زحمتش را بچه‌های هنرهای تجسمی کشیده‌اند. این کانون در هر ترم کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های متفاوتی برای علاقه‌مندان به هنر برگزار می‌کند. کانون شعر و ادب هم با برگزاری هم‌خوانی کتاب و حلقه‌های حافظ‌خوانی و شاهنامه نقش مهمی در پاسداری از زبان فارسی در بین هجوم بی‌رحمانه کلمات خارجی در کلمات روزمره ما دارد. روحیه همدلی و خیرخواهانه دانشجویان دانشگاه، کانون یاریگران و خیریه فردای سبز را به راه انداخته است که البته هر کدامشان با اهداف متفاوتی فعالیت‌های خود را جلو می‌برند و دوست‌داران محیط‌زیستی که حال و هوای زمین و آسمان را دارند.





معدرت از انجمن مستقل و دیگر کانون‌ها که به دلیل محدودیت کلمات از آوردن اسمشان معذوریم - انجمن‌های علمی دانشکده‌ها نیز با برگزاری وبینارها، نشست‌های علمی و فرهنگی، مسابقات و ... فعالیت‌های مؤثری انجام می‌دهد. این هفت‌صدوخرد‌ای کلمه را گفتم، از ساندویچ‌های فلافل تا مسابقات انجمن علمی را به هم بافتم تا برایتان بگویم که در کنار ناموس دانشجویان و اساتید دانشگاه که همان معدلشان است، چه می‌گذرد. نمی‌دانم شاید اکنون معنای تک‌بعدی بودن برایتان تغییر پیدا کرده باشد. از اینجا به بعد دیگر قضاوت با خودتان!



اگر حوالی انتخابات‌ها، ۱۶ آذر، ۹ دی و ... از همکف ابن سینا (یا به قول خودمان ابنس!) عبور کنید یک جماعت انجمن اسلامی و بسیجی را می‌بینید که به نحوی یکدیگر را مورد عنایت قرار می‌دهند و جامعه اسلامی‌ای که با نماد شازده کوچولو سعی در شکافتن معنای عمیق تعاریف و مباحث اندیشه‌ای دارد. اگر به نیم‌طبقه ابنس سری بزنید با دفتر کانون کوثر و قرآن و عترت مواجه می‌شوید. کانون قرآن و عترت با برگزاری جلسات هم‌خوانی قرآن در ماه رمضان و مسابقات مختلف حفظ، تفسیر، احکام و ... محل مناسبی برای علاقه‌مندان این حوزه ایجاد کرده است. از تمامی این‌ها که بگذریم سخن مسجد دانشگاه خوش‌تر است. مسجدی با یک حوض بزرگ دارای ماهی‌های قرمز در وسط حیاط و کاشی‌های فیروزه‌ای، محل تجمع هر دانشجویی با هر طرز فکر و عقیده‌ای است. هیئت‌الزهرایی که تماماً توسط خود دانشجویان مدیریت و اداره می‌شود و در هر مناسبتی میزبان میهمانانی از داخل و خارج دانشگاه می‌باشد. در کنار تمامی این تشکله‌ها و کانون‌ها - با عرض



زهرا همتیان،
ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

عمر تو موسم کار است و جهان بازاری

حاصل یک عمر تحقیق و مطالعه چه خواهد شد؟

روزها و شب‌های این تابستانی که گذشت، سرتاسر وجودم درگیر پیدا کردن راهی برای ادامه دادن مسیر آینده و علاقه‌هایم بود؛ ثم ماذا؟ بعد از دو دهه عمر صرف کردن در مدارس و دانشگاه‌ها، چه قرار است بر سرم بیاید؟ آیا صرف دانستن یک سری مطالب و افزودن به دانسته‌های قبلی، همان چیزی است که من به دنبالش بودم و برای آن ساخته شده‌ام؟ لحظاتم سپری می‌شدند و این معما همراه من بود و من هم در جست‌وجوی پاسخ آن با پرسیدن از دوستانم و دخیل‌بستن به گوگل عزیز؛ اگر تو هم دنبال جوابش هستی، با من بیا با گوش دل تا آخر این مثنوی.

داستان از جایی شروع شد که ما عازم تهران شدیم و با دوستان، قصد ایستگاه نوآوری شریف کردیم. در همان مواجهه اول، آن را فراتر از حد تصورم دیدم که تازه آن ایستگاه، تنها قسمتی از ناحیه نوآوری شریف بود؛ ناحیه‌ای با محوریت دانشگاه شریف که می‌شد آرزوها و اهدافمان را آنجا پیدا کنیم و یا حتی آن‌ها را بسازیم. در این ناحیه، بیش از ۵۰۰ شرکت، هفت شتاب‌دهنده و سه مرکز نوآوری وجود دارد.

«اتفاقی که در ناحیه نوآوری شریف دارد می‌افتد، می‌توانیم بگوییم به نوعی ایجاد یک مدنیت جدید مبتنی بر فناوری است. اگر در گذشته و در تاریخ، تمدن‌های بزرگ بشری کنار آب‌ها و رودخانه‌ها شکل می‌گرفتند، این مدنیت جدید مبتنی بر فناوری،

کنار دانشگاه‌ها در حال شکل‌گیری است.» این‌ها قسمتی از صحبت‌های مهندس مجید دهبیدی‌پور، رئیس پارک علم و فناوری شریف پیرامون این ناحیه است. یکی دو روز زمان برد تا من درک بکنم در ذهن این عزیزان واقعاً چه می‌گذرد و از چه حرف می‌زنند؛ مدنیت مبتنی بر فناوری دیگر چه صیغه‌ای است؟ نقش دانشگاه‌ها این وسط چیست؟ چگونه قرار است این ایده محقق بشود؟ دولت‌های ما در اداره امور عادی در گل مانده‌اند؛ پشتوانه چنین ایده‌ای چیست و کیست؟ بیشتر تحقیق کردم و با شرکت‌های این ناحیه بیشتر آشنا شدم. برای مثال برخی از پیام‌رسان‌ها، کوئرای عزیز (دوست ما دانشجویها)، تلویزیون، مراکز نوآوری گوناگونی مانند مرکز نوآوری رسانا، شتاب‌دهنده «پرسیس‌ژن»، مرکز رشد شریف، پژوهشکده فضایی ایران و پژوهشکده علوم و فناوری انرژی شریف، از جمله موارد موفق و معروفی هستند که در این ناحیه با تکیه بر علم و دانش، محصولات را ارائه می‌دهند که این محصولات و خدمات می‌توانند در حیطه آی‌تی، بیوتکنولوژی، موارد صنعتی و موارد مربوط به انرژی و یا حتی هنری، فرهنگی و آموزشی باشند. خلاصه از هرکس با هر ایده‌ای حمایت می‌شود و نکته قابل توجه این است که این ناحیه، کاملاً از دولت مستقل است که این باعث بهبود عملکرد و سرعت‌بخشی به فعالیتهای شرکت‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز نوآوری و استارت‌آپ‌ها می‌شود. ناحیه‌ای که به دست نخبگان ساکن در آن جا اداره می‌شود. از خصلت‌های فرهنگی ناحیه



نوآوری شریف، خلاقیت ساکنان آن است. وجه تمایز ناحیه نوآوری شریف، شرکت‌ها و ساکنانش، نیروی انسانی آن، جوانان پویا، شجاع و دغدغه‌مند آن است که خود را مسئول می‌دانند و آن‌جا را برای خود! ساکنان ناحیه نوآوری شریف که اکثراً دانشجویان هستند، موضوعاتی که در دانشگاه‌ها مجال پرداختن به آن‌ها کمتر وجود دارد را در این فضا تجربه می‌کنند. داشتن نحوه تعاملات مؤثر را تجربه می‌کنند و قدرت ارتباط‌گیری را تقویت، که خط مقدم شرکت‌های موفق است. از شبکه‌سازی با انسان‌های گوناگون لذت می‌برند و تجربه می‌کنند چطور یک محصول را تولید بکنند. هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی را یاد می‌گیرند و می‌توانند بیاموزند که چطور برای محصولات جدید و دانش‌بنیانی که شاید کسی آن‌ها را نشناسد، بازارسازی و اشتغال‌زایی بکنند. همان چیزی که در تمام دنیا وجود دارد و به ادعای برخی، مدل اجرایی ناحیه نوآوری شریف نیز برگرفته از مدل «ام‌آی‌تی» و «استنفورد» است. در همین دوران کرونا، شرکت‌های مختلف این ناحیه با تولید محصولات بهداشتی مانند ماسک نقره، دستگاه‌های کمک تنفسی و اکسیژن‌ساز خانگی، دستگاه ونتیلاتور، ضدعفونی‌کننده‌های حاوی نانو ذرات برای پیشگیری از خشک‌شدن پوست و ضدعفونی‌کننده سطوح با ماندگاری بالا و همچنین محصولات فرهنگی-هنری، خوش درخشیدند. این چنین شد که گره ذهنی من با آشنایی با چنین ایده‌ای (منظور همان مدنیت مبتنی بر فناوری البته+اخلاق) فعلاً باز شده و توانستم مسیر جدیدی را برای آینده خودم متصور بشوم. باشد که با سرعتی روز افزون، این ناحیه و امثال آن گسترش پیدا بکنند و همه ما به آرزوهای دوران کودکی‌مان دست پیدا بکنیم.



چند روز پیش در کانال خمش فراخوان دادیم که هر کس می‌خواهد برایمان از تجربه‌هایش در دانشگاه بگوید؛ از میان جملات بسیاری که از طرق مختلف برایمان ارسال شد، این دو توصیه را انتخاب کردیم:

دانشگاه شیرازی‌ها به ورودی‌های جدید می‌گفتن صفری!

سلام صفری!

می‌خوام شبیه پیرمردها نصیحتتون کنم. پس بذارید خودم رو معرفی کنم. من دانشجوی مقطع ارشد یکی از رشته‌های مهندسی با ۶ سال سابقه صنعتی در یکی از صنعتی‌ترین نقاط کشور هستم. شاید خسته شده باشید اما ۴ سال لیسانس یکی از مهم‌ترین مقاطع زندگی شماست. صرفاً درس خواندن شما رو از تجربه‌های نابی که در این دوره می‌تونید به‌دست بیارید محروم می‌کنه؛ اما فعالیت‌های جانبی نباید شما رو از درس کاملاً دور کنه. دسته‌بندی بخوام بکنم

۶۰ درصد درس و فعالیت‌های علمی مرتبط

۲۵ درصد تفریح، رفیق‌بازی و ...! ایام جوونی رو هدر ندید!

۱۰ درصد فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی. شاید یکی از بهترین تجربیاتی که بتونید به‌دست بیارید تو دل همین فعالیت‌هاست ولی خیلی مهمه معنادار نشید که عاقبتی نداره.

۵ درصد شاید کم بنظر برسه اما بنشینید فکر کنید راجع به اینکه می‌خواید چیکار کنید و اون ۹۵ درصد رو مطابق اون بچینید. هر زندگی مسیر خاص خودش رو می‌طلبه.

مخلص شما!

حتماً از بزرگ‌تر و سال بالای که می‌شناسید راهنمایی بگیرید تا راه و چاه رو بهتون نشون بدن. سعی کنید حتماً حتماً تو همون سال اول یا دوم بدونید می‌خواید چیکار کنید و هدفتون رو مشخص کنید (اپلای کردن، کار کردن و...) تا کارهایی که باید تو طول دوران کارشناسی انجام بدید معلوم بشه (مثل عضو شدن داخل آزمایشگاه‌های اساتید، جمع کردن رزومه خوب، عضویت داخل گروه‌های مستقر داخل پژوهشکده و ...) و همین‌طوری «هر چه پیش آید خوش آید» طور جلو نرید.

کنار درس خواندن تفریح و کارهای دیگه مثل عضویت یا کمک کردن به انجمن‌ها و گروه‌های دانشجویی رو فراموش نکنید و تو هیچ کدوم از این دسته‌بندی‌ها افراط و تفریط نکنید. همه چی سر جای خودش! مطمئناً شما آخر این دوره مثل الان و شروع نخواهید بود و تغییر می‌کنید و این چهار سال جزو بهترین سال‌های عمرتون می‌شه.

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک و دریا (محور)

مدیر مسئول: زهرا کرمی

سر دبیر: سیدپارسا قزوینی

صفحه آرا: سولماز مجدم مفرد

طراح جلد: کیمیا طاهریان

ویراستاران: محمد بذرافشان، نیما رستگار، مصطفی رسولی، پویا

کرباسیان، زهرا موسوی.

همکاران این شماره: محمد جواد احمدی، علی انصاری، محمد

بذرافشان، علی بوالحسنی، علی جوکار، نیما رستگار، مصطفی رسولی،

فاطمه شجاعی، امیرمحمد صادقی چرمهینی، علیرضا فکوریان، سیدپارسا

قزوینی، صالحه کیوانلو، زهرا موسوی، سید علیرضا موسوی زاده تفتی،

بردیا نبوی، زهرا همتیان.

با تشکر ویژه از: دکتر علیرضا طاهری.

با ما در ارتباط باشید:



[@khamesh_mehvar](https://www.instagram.com/khamesh_mehvar)

[@mehvargroup](https://www.instagram.com/mehvargroup)

[mehvar_group](https://www.instagram.com/mehvar_group)

mehvar.mech.sharif.ir